

# تفسیری در آینه شعر

ع. شباهنگ

تفسیر صفی، تألیف و سروده عارف ربانی میرزا حسن اصفهانی  
(صفی‌علیشاه)، تصحیح و تحقیق حامد ناجی اصفهانی، اصفهان،  
انتشارات کانون پژوهش، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش، ۱۴۲۳ صفحه.

ترجمه و تفسیر قرآن مجید که از دیرباز در میان مسلمانان ساری و رایج بوده، در میان ایرانیان و فارسی‌زبانان نیز، از سابقه‌های کهن برخوردار بود و حتی به گفته برخی به همان دوره حیات پیامبر گرامی اسلام ﷺ باز می‌گردد و به نقل مورخان، سلمان فارسی، نخستین کسی است که در این راه گام برداشته است، ولی ترجمه کامل قرآن ظاهراً به نیمه اول سده چهارم هجری بازمی‌گردد که به دست گروهی از علمای فرارود (ماوراءالنهر) انجام گرفته است و در پیشگفتار ترجمه تفسیر طبری نیز، به این نکته اشاره شده است که: «نخستین نگاشته در تاریخ نگاشته‌های فارسی درباره قرآن، ترجمه تفسیری عربی طبری است».<sup>۱</sup> اما این گفته و نکته، چندان هم صحیح نمی‌نماید، زیرا فارسی‌زبانان مسلمان، پیش از این سده هم نیازمند ترجمه قرآن مجید و تفسیر آن به زبان فارسی بوده‌اند، از این رو نمی‌توان به صورت قاطع، تاریخ نخستین ترجمه قرآن و تفسیر آن را به زبان فارسی، به دست داد و چنانکه اشاره شد، سلمان فارسی

۱. ترجمه تفسیر طبری، به اهتمام یغمائی، ۶/۱.

به درخواست ایرانیان و هموطنان خویش به این نیاز پاسخ داد و اتفاقاً ترجمه وی از سوره «حمد» مورد تأیید پیامبر ﷺ قرار گرفت، بر این اساس نخستین ترجمه قرآن به زبان فارسی، به دست سلمان و به اذن و اجازه رسول خدا بوده است.<sup>۱</sup>

از این که بگذریم دلایل و شواهدی در دست است که موسی بن سیتار اسواری (درگذشته ۲۵۵ ق) قرآن را به فارسی ترجمه و تفسیر می کرد.<sup>۲</sup>

بر این اساس فارسی‌زبانان در نخستین دهه‌های عصر اسلامی و سده‌های نخستین، به ترجمه فارسی قرآن، احتیاج داشته‌اند و بدون تردید به ترجمه‌های لغوی و تحت‌اللفظی و یا ترجمه‌های شفاهی قرآن اهتمام داشته‌اند و در این مسیر گام‌هایی برداشته‌اند که در واقع تفسیر فارسی قرآن موسی بن سیتار، می‌تواند دومین گام، در این راه باشد.

## سابقه ترجمه و تفسیر منظوم قرآن مجید

گرچه ترجمه و تفسیر منظوم قرآن مجید به زبان فارسی، پیشینه‌ای به قدمت ترجمه و تفسیر منثور قرآن مجید ندارد، ولی مدتی بعد از ترجمه‌ها و تفسیر منثور، دو نوع ترجمه دیگر نیز، از دیرباز در زبان فارسی، متداول و رایج گردید که به این شرح است:

## الف. ترجمه‌های آوایی و آهنگین

ترجمه‌های آوایی که در واقع وزن و قافیه معینی ندارند، اما نثر ساده‌ای هم نیستند، جمله‌های دارای آوا و آهنگینی هستند که از آوای مشترکی پیروی می‌کنند که گاه در شعر نو تجلی می‌کند. این نوع ترجمه‌ها و تفسیرها، از دیرباز آغاز شده و تاکنون نیز، ادامه یافته است. برخی از این ترجمه‌ها و تفسیرها که تاکنون شناخته شده‌اند، عبارتند از:

۱. ترجمه‌ای آهنگین از دو جزء قرآن که به احتمال زیاد مترجم آن در سده سوم هجری می‌زیسته و کوشیده است تا ترجمه‌ای مسجع و موزون از آیات را ارائه دهد و تا حدودی هم، در این کار موفق بوده است. این ترجمه از آیه ۶۱ سوره یونس تا

۱. تاج التراجم، ۸/۱؛ المبسوط، سرخسی، ۳۷/۱.

۲. البیان و التبیین، جاحظ، ۱۳۹/۱.

آخر آن و سوره‌های هود، یوسف، رعد و سوره ابراهیم تا آیه ۲۵ را شامل است و اخیراً هنگام تخریب بنای قدیمی کنار گنبد حضرت امام رضا علیه السلام از لای دیوار پیدا شده و در ردیف اسناد کهن فن ترجمه قرآن و زبان فارسی قرار گرفته و دکتر احمد علی رجایی بخارایی، در ۱۳۵۰ ش، آن را تصحیح و منتشر کرده است.<sup>۱</sup>

۲. متنی پارسی از سده چهارم هجری، که در گنجینه قرآنهاي نفیس آستان قدس رضوی نگاهداری می‌شود. ظاهراً تدوین آن پس از نگارش ترجمه معروف به ترجمه تفسیر طبری بوده است و به همت دکتر احمد علی رجایی بخارایی در آستان قدس رضوی، چاپ شده است.<sup>۲</sup>

۳. تفسیر نسفی، از ابو حفص نجم‌الدین عمر بن محمد نسفی (۴۶۸ - ۵۳۸ ق)، و از تفاسیر کهن قرآن کریم که بیش از هشت قرآن در کتابخانه‌های خصوصی و شخصی محبوب بود تا اینکه به همت دکتر عزیزالله جوینی در سال ۱۳۴۰ ش، در کتابخانه آستان قدس رضوی شناسایی و اخیراً توسط سازمان اوقاف و امور خیریه، چاپ و منتشر شده است.

۴. آوای قرآن، ترجمه دو جزء از قرآن مجید، به صورت مسجع و موزون که توسط محمود صلواتی، انجام یافته و در ۱۳۷۲ ش، در قم انتشار یافته است.

## ب. ترجمه و تفسیرهای منظوم

بی‌شک ترجمه و تفسیرهای منظوم قرآن کریم نیز، سابقه‌ای دراز دارد که یا قرآن را به صورت کامل و یا به شکل اجزاء پراکنده قرآن ترجمه و تفسیر منظوم شده است و متأسفانه از این نوع ترجمه‌ها و تفسیرهای کهن، اکنون چیزی باقی نمانده که بتوان آنها را نام برد و به‌عنوان پیشینه آنها بیان کرد، اما آنچه از این دست ترجمه و تفسیرها اکنون باقی است و می‌توان به آنها اشاره کرد به این شرح است:

۱. از این دسته از ترجمه و تفسیرهای منظوم، پاره‌ای از تفاسیر منظوم عروضی به چشم می‌خورد که گویا مبدع این‌گونه تفسیر منظوم عروضی، میرزا محمد علی طبسی اصفهانی (درگذشته ۱۲۱۲ ق) مشهور به نور علی شاه است که برای نخستین

۱ و ۲. «نگاه و نقدی بر ترجمه‌های آهنگین و منظوم قرآن»، از محمد محسن زمانی، ترجمان وحی، سال ۴، شماره ۸

(پاییز و زمستان ۱۳۷۹)، ص ۳۳-۳۴.

بار به تفسیر منظوم سوره حمد و آغاز بقره همت گمارده است و گویا اجل به وی مهلت نداده که این تفسیر منظوم را به پایان برساند. نسخه‌ای از این تفسیر که شامل سوره بقره است در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار (شهید مطهری) موجود است.<sup>۱</sup>

۲. تفسیر سوره حمد با نام بحر الاسرار از میرزا محمدتقی کرمانی مشهور به «مظفر علیشاه» (درگذشته ۱۲۱۵ ق) که معانی بلندی را ضمن شعر در طی تفسیر خویش بیان کرده است. آقا بزرگ این تفسیر را با عنوان بحر الاسرار یا السبع المثانی معرفی کرده و نوشته است که نسخه‌ای از آن را نزد شیخ علی صدر التفرشی دیده است.<sup>۲</sup>

۳. اسرار عشق، تفسیر سوره یوسف، از اسدالله بن محمود ایزد گشسب معروف به «ناصر علیشاه» گلپایگانی (ح ۱۳۰۳ - ۱۳۶۶ ق) که در اصفهان و در ۱۳۴۳ قمری چاپ سنگی شده است.<sup>۳</sup>

۴. ترجمه‌ای از بخشهایی از قرآن کریم به زبان فارسی به صورت نظم از سید محمد علی محمدی موسوی اهوازی شاعر معاصر که این ترجمه منظوم در ۱۳۸۱ ش، در قم انتشار یافته است.<sup>۴</sup>

همه موارد یاد شده، تنها ترجمه یا تفسیر بخشی از قرآن مجید است، اما تنها ترجمه و تفسیر منظوم کاملی که از تمام قرآن مجید انجام گرفته، به این شرح است:

تفسیر صفی که در واقع تفسیر و ترجمه منظوم در بحر رمل مسدس و نخستین ترجمه و تفسیر کامل عروضی قرآن کریم است، سروده و نگارش صفی علیشاه اصفهانی است که از این پس در مورد آن سخن خواهیم گفت، اما پیش از معرفی و بررسی این ترجمه و تفسیر منظوم، بهتر است اندکی با مؤلف آن نیز، آشنا شویم.

## سراینده تفسیر صفی

سراینده و مؤلف این تفسیر کسی نیست جز میرزا حسن بن محمدباقر اصفهانی ملقب به «صفی علیشاه» نعمت‌اللّٰهی، عارف نامور و بزرگ، و صوفی پاکبخته سلسله شیعی نعمت‌اللّٰهی.

۱. الذریعة، ۳۳۷/۴.

۲. همان، ۲۹/۳.

۳. مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، مشار، ۵۳۹/۱.

۴. «اخبار وحی»، ترجمان وحی، سال ۷، شماره ۱۳ (بهار و تابستان ۱۳۸۲)، ص ۹۶.

# میراث شهاب

او خود دست‌کم دو بار زندگینامه خویش را به اختصار نوشته که هر دو در مقدمه تفسیر و دیوانش چاپ شده‌اند و در این مختصر، فشرده‌ای از آنچه خود در زندگینامه‌های خودنوشتش و همچنین دیگران نوشته‌اند، خواهیم آورد.

وی به تصریح خودش، در سوم شعبان ۱۲۵۱، در اصفهان دیده به جهان گشوده و در میان خانواده‌ای از اهل تجارت و به تعبیر خودش «قشری» پرورش یافت و در خردسالی مجبور شد همراه پدرش به یزد مهاجرت کند و مدت بیست‌سال در آنجا توقف نماید.

او در خلال این ایام گویا به اصفهان نیز آمده، زیرا به گفته خودش در پانزده سالگی به خدمت ارباب حال مشتاق بوده و ظاهراً در همین روزگار در نیم‌آورد اصفهان به خدمت عارف الهی محمدحسن آرنندی نائینی (درگذشته ۱۲۷۰ ق) شتافته و از وی بهره برده و از نصایح وی که در زندگی خودنوشتش نیز، منعکس است، برخوردار شده است و در بیست سالگی پای پیاده عازم شیراز شده و به حضور قطب الاوتاد حاجی میرزا کوچک رسیده و از وی مراحل سیر و سلوک آموخته و به قبول ارادت وی مفتخر شده و در خدمت او به کرمان رفته است و در همانجا به اشاره وی کتاب زبده الاسرار را آغاز کرده است.

او در آن مدت که در شیراز بود، در دولت‌سرای منور علیشاه بار یافته و زاویه‌ای خاص برایش تعیین و چند وقتی به فیوضات کامل رسیده، تا اینکه نواب علیشاه از بمبئی نامه‌ای به منور علیشاه می‌نویسد و از او می‌خواهد تا فرد مؤتمنی را برای هدایت و ارشاد طالبین هند، اعزام کند و منور علیشاه حاجی میرزا حسن صفی علیشاه را به آن دیار می‌فرستد و او از راه بوشهر با کشتی به بمبئی می‌رود و یک سال در آنجا توقف کرده و کتاب زبده الاسرار را در همانجا به اتمام می‌رساند و در ۱۲۸۹ قمری به چاپ می‌رساند.

وی پس از آن به شیراز مراجعت کرده و پس از چندی به یزد رفته و دو سال در آنجا می‌ماند و باز عازم شیراز شده و از آنجا بار دیگر به هند می‌رود، سپس از هند عازم بیت‌الله الحرام شده و پس از انجام مراسم حج به عتبات عالیات شتافته و از راه بندر عباس به ایران باز می‌گردد و به یزد می‌رود. چون در آن روزگار بین مشایخ این سلسله، نزاع بر سر قطب شدن بالا گرفته بود و این معنا به قول خودش، با سلیقه و سبک وی موافق نبوده بار دیگر به هندوستان می‌رود، به قصد اینکه در دکن اقامت کند و به گفته خودش دفترهای شسته را از نو بخواند، اما به دلایلی نتوانسته در آنجا بماند و از آنجا به عتبات عالیات رفته و یک اربعین در کربلا گرفته، سپس به قصد

## میراث شهاب

زیارت ثامن الحجج علیه السلام به ایران بازمی‌گردد. برای انجام این مقصود به تهران می‌رود و در اثر قحط‌سالی همه اسباب مسافرت خویش را از دست می‌دهد و به ناچار در تهران رحل اقامت می‌افکند و تا آخر عمرش در دارالخلافة می‌ماند. سایر آثار و تألیفات خویش مانند: بحر الحقایق؛ میزان المعرفة؛ دیوان اشعار؛ نجم العرفان را تحریر می‌کند و در اواخر عمر خویش مشغول سرودن تفسیر خویش بر قرآن می‌شود.

وی در روز چهارشنبه ۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۱۶، در تهران دیده از جهان فرو بست و در منزل خویش و در نزدیک خانقاهی که خود ساخته بود و اکنون در خیابان صفی‌علیشاه تهران واقع است به خاک سپرده شد و حاجی سیف‌الدوله - حاکم ملایر - در ۱۳۲۴ قمری، بر مزار وی گنبدی با معماری حاجی حسین نامی بنا می‌کند که هم‌اکنون نیز، زیارتگاه اهل دل و دوستداران اوست.<sup>۱</sup>

### تفسیر منظوم صفی‌علیشاه

این تفسیر منظوم، تفسیری است عرفانی و دریای موجی است که غواصان حکمت و عرفان می‌توانند گوهرهای فراوانی از آن استخراج کنند و تعداد ابیات آن را حدود ۳۸ هزار بیت تخمین زده‌اند و در مدت دو سال در فاصله سالهای ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۸ قمری سروده شده که بسیار شگفت‌انگیز است.

مفسر چنانکه اشاره کردیم یک عارف کامل و شیعه دوازده امامی است که پس از ذکر چند آیه مربوط به هم و ترجمه منشور آن به ترجمه منظوم آیات به صورت آزاد پرداخته و در لابه‌لای ترجمه، توضیحات تفسیری، تاریخی و شأن نزول آیات را نیز، آورده است.

تاریخ ابتدا و انتهای تفسیر را خود صفی‌علیشاه به این صورت آورده است:

چون هزار و سیصد از هجرت گذشت در ششم سال، ابتدا این نامه گشت

در هزار و سیصد و هشت این چنین گشت ختم از عون رب العالمین

او در جای - جای تفسیر خود تاریخ سرایش و تفسیر سوره‌ها را نیز، بیان کرده که از آن میان به برخی اشاره می‌شود، مانند: شروع در تفسیر سوره انفال که در اول ماه رجب ۱۳۰۷ بوده است:

از هزار و سیصد و هفت ای عجب هست امروز اول ماه رجب

# میراث شهاب

حق کند نیکو در این مه فال ما شرح صدر افزون کند ز انفال ما  
و یا در مورد تفسیر سوره یاسین اشاره ای دارد که نشان می دهد تفسیر این سوره،  
پس از شصت سالگی وی سروده شده است:

عاقبت کردم به خیر از حسن حال بعد از آن کز عمر رفتم شصت سال  
و یا در مورد تفسیر سوره حشر که در اول رجب سال ۱۳۰۸ انجام گرفته گوید:  
سال سابق اول ماه رجب گشت آخر نظم اعراف از طرب  
اول ماه رجب شد باز نک سوره حشر است آخر بی ز شک  
سپس می افزاید:

یا رب امروز اول ماه نو است این گدا محتاج امداد تو است  
تفسیر صفی که در واقع تفسیری است مختصر، در برخی موارد و پاره ای از جا،  
بیش از حد به اختصار گراییده و مفسر در توجیه این اختصار، علت آن را ترس از به  
انجام نرسیدن تفسیر خویش دانسته و چنین بیان کرده است:

خواهم از حق عمر و توفیق این قدر که رسد دیوان تفسیرم به سر  
چند وجه دیگر است اندر کلام مانم از تفسیرم گر گویم تمام

\* \* \*

لیک ز آن ترسم که عمر آخر شود ناتمام از نظم این دفتر شود  
زان در این تفسیرم بکر منحصر آنچه لازم نیست سازم مختصر  
شد «صفی» را سال بر نزدیک شصت مر غنیمت دانم از عمر آنچه هست  
بل به توفیق خداوند ودود سازم این تفسیر را منظوم زود  
سپس در توصیف تفسیر خود در جای - جای آن مطالبی بیان داشته که از آن  
میان به این ابیات می توان اشاره کرد که آن را فضل پروردگار بر خود دانسته است:

نعمت افزودی نمودی لایقم بر معارف هم به حکمت ناطقم  
تا به این اندازه دادی علم و عزم کاورم تفسیر قرآن را به نظم  
نی به تحصیلی است این فضل خداست خلق کی دانند کاین داد از کجاست  
این تو می دانی که دادی از کرم آنچه دادی بر فقیر از بیش و کم  
و در جای دیگر آن را الهام رب و معجزه او برای فارسی زبانان، به شمار آورده است:  
پارسی یا تازی آنچه گفتنی است بعد قرآن بالیقین اعجاز نیست

اندکی شو اندر این دفتر دقیق  
تا قیامت در جهان ناید دگر  
بشنو از وی لیک تو باور مکن  
لیک چون دارد به قرآن نسبتی  
گر توانی کی گست ره برگرفت  
همچو آب و آینه صاف و روان  
شکر منعم حتم بهر حق پرست  
و در جایی دیگر توفیقات خویش در بیان این تفسیر و سرایش خویش را به خداوند

گر شناسی پارسی را ای رفیق  
تا چو تفسیر «صفی» دانی مگر  
گوید ار کس ممکن است این سان سخن  
نی که باشد معجزی و حجّتی  
مثلش آوردن بسی باشد شگفت  
سوره‌ای را نظم کن در امتحان  
نفس را نستایم الا آنکه هست  
نسبت داده است:

بشنود هم هر چه گوئیم او تمام

حق گذارد در دهان ما کلام  
و یا گوید:

خود تو دانی کز کجا بود آن کرم  
کز کجا بود آن عنایات خفی  
و در بسیاری از موارد از آل الله و از امیرمؤمنان حیدر کرار علیه السلام مدد می جوید  
و تفسیر خویش را مددی از او می داند و از آن حضرت می خواهد که با مردم از زبان

بر «صفی» حق کرد اتمام نعم  
دانی این، یعنی که می داند «صفی»  
«صفی» سخن گوید:

فارس این دشت و این میدان تویی  
آنچه گفتمی بیش از این تفسیر کن  
جز تو کس در عالم و افلاک نیست

حیدرا تا بوده جان، جانان تویی  
بر «صفی» اسرار خود تقریر کن  
از زبان من سخن گو باک نیست

\* \* \*

تا نوازی همدمم با ساز تو  
در بیانم نه رجز باشد نه لاف  
و در جایی دیگر از همت امیرمؤمنان استمداد می کند و می گوید:

بند بندم پر شد از آواز تو  
هر چه گویی گویم آن را بی خلاف  
راه عشق است آن گرت میل و هواست  
یا علی ما هم گدای این دریم  
همت از مولاست گر خواهد فقیر

ره‌نمای او علی مرتضاست  
خوشه‌چین خرمندت از هر سریم  
دست این افتادگان را هم بگیر  
از نمونه‌های یاد شده به خوبی می توان دریافت که مؤلف و سراینده این تفسیر که



# میراث شهاب

از عارفان ربانی و واصل است، هر چه را در این تفسیر بیان و اظهار داشته، از امدادهای غیبی حضرت حق و نظر عنایت اهل بیت پیامبر ﷺ بویژه شاه ولایت امیرمؤمنان است، از این رو می‌بینیم که گاهی در حین تفسیر آیات، چنان دچار انقلاب و جذبه‌های روحانی می‌شود که در بعضی موارد پرده از آن برداشته و چنین می‌سراید:

شد پریشان موبه مو گفتار من خورد بر هم دفتر و طومار من  
ای حریفان فکر زنجیری کنید می‌شوم دیوانه تدبیری کنید

## روشن تفسیری صفی

آنچه در این بخش اشاره خواهیم کرد، مختصری است از اشاراتی که مصحح و محقق ارجمند خود در خلال تصحیح و تحقیق دریافته و در پایان این تفسیر گنجانیده است و گوشه‌هایی از اندیشه‌های مفسر را نمایانده است:

۱. به شعر درآوردن نص آیات که گاهی به جهت تصحیح وزن شعر، جابه‌جایی مختصری در اعراب برخی کلمات صورت گرفته است.

۲. توجه مفسر به وجوه قرآن که در موارد زیادی، وجوه مختلف در یک آیه را بیان کرده است.

۳. توجه به معانی لغوی واژه‌های قرآنی.

۴. اشاره به مکی یا مدنی بودن سوره‌ها و اشاره به عدد آیات هر سوره در موارد گوناگون.

۵. ذکر نکات ادبی و چگونگی تجزیه و ترکیب آیات و اشاره به پاره‌ای از نکات بلاغی.

۶. بیان ناسخ و منسوخ در آیات و اظهار نظر درباره آنها.

۷. اشاره به اختلافات قرائات قاریان در آیات.

۸. بررسی و جرح و تعدیل اقوال مفسران و ترجیح دادن برخی از آن اقوال در ذیل آیات.

۹. عدم جواز تفسیر به رأی که در مواردی به آن اشاره کرده است.

۱۰. بیان تفسیرهای شیعیانه در مقابل نگرش‌های اهل سنت.

۱۱. بیان حکایات مختلف در خلال تفسیر خویش جهت پندآموزی و عبرت‌اندوزی

و ذکر قصص قرآن مجید در حد لزوم و احاله تفصیل آن به کتابهای مستقلی که در تاریخ انبیا نوشته شده است.

۱۲. ارجاع خوانندگان در مورد احکام به کتابهای فقهی و حتی احاله به کتب طبّی در موارد پزشکی.

۱۳. تأویل‌های عرفانی، کلامی و حکمی و تأویل حروف مقطعه در موارد گوناگون، تأویل باطنی اصحاب کهف، تأویل عرفانی داستان خضر، تأویل صدای و آوای پرندگان و بیان رمز آن برمبنای روایات وارده در این موارد، تأویل دابة الارض، تأویل طور و امثال این موارد.

۱۴. بیان اندیشه‌های حکمی مانند: بررسی حقیقت رؤیا در سوره یوسف، تحقیق در لوح محو و اثبات و چگونگی قائلان به دور کور در سوره رعد، چگونگی تبدیل زمین در عرصه قیامت در سوره ابراهیم، تفسیر ملّیک مقتدر به وحدت ذاتیه، بحث توحید ذاتی در ذیل سوره اخلاص و جز این موارد.

۱۵. اندیشه‌های کلامی و آرای شیعی مانند: صحت مذهب بینابین در جبر و اختیار، تشبیه و تنزیه، ایمان حضرت ابوطالب علیه السلام و نفی اتهام از آن حضرت، استدلال بر ردّ جبر، قبول حسن و قبل عقلی، عدم جواز ترک اولی به جهت تنافی با اصل عصمت در انبیا و بویژه خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله، ردّ نظریه عدم عصمت حضرت یوسف علیه السلام و تنزیه آن حضرت از پیرایه‌ها و تحلیل بحث امامت و نگرش شیعی در آن.

۱۶. اندیشه‌های عرفانی مانند این موارد: صفت مرشدان حقیقی و عدم غره شدن به علم، توقیفیت اسمای الهی، اطلاق وجود بر خداوند به نحو لا به شرطیت مطلق است، ارزش صورت پیر در فکر سالکان، مرتبه خواب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسان کشف و شهود عارفان است و بلکه بالاتر از آن، حقیقت نماز و اثر عرفانی نماز، توحید، یک مقام عملی است و صرف معرفت نیست، موضوع حبس در عارفان، تفسیر عرفانی «بحرین»، بررسی عرفانی لیلۃ القدر، طرح واقعه غدیر خم و ظهور ولایت در آن و امثال این موارد.

۱۷. در این تفسیر پاره‌ای از آرای تفسیری صفی عیشاه نیز، منعکس شده است. مانند: جواز ازدواج هابیل با خواهرش، تحلیل اعجاز قرآن، مراد از ذوالقرنین که اسکندر است، تحلیل داستان مجعول حضرت داود و اوریا و نقد روایات مشهور، نقد قصه ربودن انگشتر سلیمان توسط پریان.

۱۸. و بالاخره توجه به مسائل اصول فقه مانند: اصالة البرائة، بحث عام، تعریض

بر اصولیان در باب ظن و برخی موارد دیگر.

## چاپ‌های تفسیر صفی

انتشار و چاپ اول تفسیر صفی، برخلاف آنچه محقق محترم نوشته در سال ۱۳۰۸ قمری بوده است، نه سال ۱۳۰۶ قمری، زیرا در سال ۱۳۰۶ مفسر شروع به تفسیر کرده و پس از پایان آن در ۱۳۰۸ قمری، به کوشش و اهتمام میرزا ابوتراب خان سرتیپ اول و نایب کل وزارت پلیس دارالخلافه در تهران، چاپ سنگی شده است و روشن است که در آن تاریخ مفسر زنده بوده است.

چاپ دوم آن در ۱۳۱۸ قمری، در دو جلد در ۸۳۶ صفحه، باز هم در تهران انجام گرفته است و چاپ سوم آن در ۱۳۱۷ ش / ۱۳۵۸ ق و چاپ بعدی آن در ۱۳۲۸ ش / ۱۳۶۹ ق در چاپخانه ارتش همراه با فهرستی در آخر آن و در سال ۱۳۴۲ ش، یکبار دیگر در چاپخانه خیام، چاپ سربی شده که شامل ۸۳۶ صفحه بوده است.<sup>۱</sup>

با مقایسه چاپ سربی و سنگی اغلاط و افتادگی‌های بسیار و بدخوانی‌های زیادی به چشم می‌خورد که در پاره‌ای موارد اصلاحات جزئی در وزن اشعار و واژه‌ها انجام یافته، ولی در چاپ خیام، افزون بر کاستی‌های پیشین به جهت عدم دقت در ویرایش نمونه‌خوانی، غلط‌های متعددی بدان راه یافته که در مجموع نسخه‌ای غیر مصحح را در اختیار خوانندگان قرار داده است.

در چاپ مصحح جدید کوشش شده که کاستی‌های چاپهای پیشین برطرف شود و چاپی منقح و کم‌غلط در اختیار خوانندگان قرار گیرد.

مصحح و محقق محترم، روشن تصحیح خویش را در پایان این تفسیر به این شرح بیان کرده است:

«تفسیر صفی به‌سان سایر تفاسیر، جهت تفسیر آیات قرآن کریم، با گزینش مجموعه‌ای از آیه‌های مربوط، با تقطیع سوره، به تفسیر آیه‌های همگن می‌پردازد و اما در واقع همچون تمام تفاسیر سده‌های گذشته فاقد اشاره به شماره آیات است، این مطلب در تفاسیر منثور، با اشکال کمتری روبه‌روست، چه مفسر با بیان نص عربی قرآن کریم، به تفسیر بند - بند سوره‌ها می‌پردازد، ولی در تفسیر صفی که جز در موارد انگشت‌شماری، به نص عربی قرآن کریم اشاره شده، یافتن مفاد ترجمه‌ای و تفسیری آن مشکل خواهد بود».<sup>۲</sup>

۱. فهرست کتابهای چاپی فارسی، مشار، ۱۳۹۵/۱.

۲. تفسیر صفی، ص ۱۳۵۱.

با توجه به این مشکل، مصحح محترم اقدامات زیر را انجام داده به این صورت که:

۱. با بهره‌گیری از چاپهای سنگی و حروفی، چاپ جدید حروفچینی شده و با توجه به کهن بودن و اصالت نسخه چاپ سنگی، آن را به عنوان متن اصلی، گزینش کرده و موارد اختلاف مغیر معنا با رمز «خ» در پاورقی‌ها درج شده و از بیان اشتباهات چاپ‌های حروفی به جهت عدم فایده، خودداری شده است.
۲. به جای متن قرآن کریم نگاشته شده در چاپهای گوناگون که همراه با اغلاط متعدد تجویدی و رسم‌الخطی بوده، متن قرآن در این چاپ با رسم‌الخط عثمان طه - که مطابق با قرائت‌های گوناگون قرآنی است - انتخاب و درج گردیده است.
۳. با عنایت به مضمون تفسیر و آیه‌های قرآن کریم، شماره آیات قرآن، براساس شماره آیات قرآن فوق، در ابتدای ابیات مربوط به آن قرار داده شده چه آنکه شماره آیه‌ها و کیفیت تقطیع آیه‌ها با قرآن مندرج در چاپ سنگی و حروفی کاملاً مطابق نبوده است. البته مصحح محترم در این کار بزرگ، به جهت منظوم بودن ترجمه و تفسیر، گاه در این شماره‌گذاری، با مشکلات عدیده‌ای رو به رو شده، زیرا در پاره‌ای موارد، در یک بیت، مصرع اول دنباله آیه قبل بوده و مصرع دوم، آغاز آیه جدید، که در این صورت ملاک شماره‌گذاری، مصرع دوم بوده است و گاه یک بیت ترجمه دو آیه بوده است که در این مورد، شماره هر دو آیه بر سر بیت درج شده و گاه نیز، علاوه بر حالت دوم، دنباله آیه از مصرع دوم به بیت بعدی رفته که باز همان روش شماره‌گذاری اعمال شده است.
۴. در متن تفسیر صفی که به ندرت عناوین موضوعی برای مطالب بیان و انتخاب شده، کوشش شده عناوینی که در حواشی چاپ سنگی وجود داشته و گویا از جانب کاتب برگزیده شده بوده و در چاپ ارتش به صورت فهرست مطالب در آخر کتاب ضمیمه شده و در چاپهای حروفی به داخل متن انتقال یافته بوده و پاره‌ای نیز حذف شده و در چاپ خیام برخی در همان حاشیه باقی مانده است، در این چاپ، عناوین اصلی موجود در متن تفسیر صفی، به‌طور ساده و عناوین فرعی موجود در حاشیه، با دو کمان ( ) در اطراف آن، در متن جای داده شود و چون پاره‌ای از مباحث، نیاز به عناوین جدید داشته، آن عناوین انتخاب و در متن در میان دو کروشه [ ] قرار داده شده است. البته ایجاد عناوین جدید تنها برای راهنمایی خوانندگان است و گویای استقصای کامل مطالب موجود در سوره‌ها نیست.

۵. چون متن قرآن در یک طرف واقع شده و تفسیر در صفحه مقابل، برای حفظ تقطیع سور از علامت سه مربع مابین ابیات استفاده شده تا خواننده دریابد که هر جا با سه مربع در وسط سطر روبه‌رو شدند، آیه‌ها بیانگر مطلبی بوده‌اند که به‌طور مجموعه‌ای مورد تفسیر قرار گرفته‌اند.

۶. چون تفسیر صفی حاوی اشارات گوناگونی به شأن نزول آیات و آیات الولایه و بیان نقل قول مفسران و بیان مضمون احادیث است، کوشش شده است تا تمام این منابع با ارجاع درخور مشخص شود.

۷. نسخه چاپ سنگی تفسیر صفی و به پیروی از آن چاپ‌های حروفی نیز، دربردارنده یک ترجمه تحت لفظی قرآن کریم در بین سطور قرآنی است با تحقیقی که مصحح انجام داده متوجه شده که این ترجمه کاملاً منطبق بر ترجمه مشهور مصباح‌زاده است، این تأمل که نسخه چاپ سنگی تفسیر، به قطع پیش از ترجمه مصباح‌زاده، چاپ شده است، بنابراین ترجمه مشهور به ترجمه مصباح‌زاده نباید از آن وی باشد و بنابه حسن ظن باید این ترجمه به خط مرحوم مصباح‌زاده باشد که بعدها به اشتباه به نام وی رقم خورده است و برخی این ترجمه را از خود صفی و به قلم وی دانسته‌اند که هیچ مأخذ معتبری دال بر آن نیست، از این‌رو با توجه به آنکه این ترجمه تحت لفظی بوده و امروزه مورد توجه خوانندگان پارسی‌زبان نیست، بنابه توصیه ناشر محترم، از ترجمه استاد الهی قمش‌ای به جای آن استفاده شده با ویراست آقای حسین استاد ولی.

۸. جهت سهولت در استفاده از قرآن کریم و تفسیر صفی، فهرست‌های گوناگونی به ضمیمه تفسیر فراهم شده که به صورت نمایه، واژه‌نامه، فهرست تفصیلی، فهرست الفبائی سوره‌ها، فهرست ترتیبی سوره‌ها، فهرست اسامی سوره‌ها، همراه با پیوست‌هایی شامل جدول ترتیب زمانی سوره‌ها بر مبنای قرآن‌های مرسوم، جدول ترتیب زمانی سوره‌ها بر مبنای نزول، ترتیب نزول گروه‌های آیات سوره‌ها و در پایان دعای ختم قرآن از صحیفه سجادیه با ترجمه آن، فهرست منابع مصحح و در آخر شناسنامه تفسیر و توقیع اداره کل نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم سازمان دارالقرآن الکریم و شابک این چاپ.

به این ترتیب چاپ و تصحیح و تحقیقی منقح به وسیله دوست دانشور و فرزانه‌ام

# میراث شهاب

جناب آقای دکتر حامد ناجی اصفهانی، فراهم گردیده و در اختیار علاقه‌مندان به این تفسیر و اهل تحقیق و پژوهش قرار گرفته است. توفیقات روزافزون این دوست دانشور و دست‌اندرکاران چاپ و نشر این تفسیر را از خداوند متعال خواستارم.

منابع:

۱. البیان و التبین، عمرو بن بحر جاحظ، قاهره، ۱۳۳۲ ق / ۱۹۶۱ م.
۲. تاج التراجم، شاهفور بن طاهر اسفراینی، تصحیح نجیب مایل هروی و علی اکبر الهی خراسانی، تهران، ۱۳۷۴ - ۱۳۷۵ ش.
۳. ترجمة تفسیری طبری، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران، ۱۳۵۶ ش.
۴. الذریعة، آقا بزرگ تهرانی، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م.
۵. طرائق الحقایق، محمد معصوم شیرازی، تصحیح محمد جعفر محجوب، انتشارات سنایی تهران، بی تاریخ.
۶. فهرست کتابهای چاپی فارسی، خان بابا مشار، تهران، ۱۳۵۰ ش.
۷. المبسوط، محمد بن احمد سرخسی، تحقیق محمد راضی حنفی و دیگران، بیروت، ۱۴۰۶ ق / ۱۹۸۶ م.
۸. مجله ترجمان وحی، سال ۴، شماره ۸ (پاییز و زمستان ۱۳۷۹) و سال ۷، شماره ۱۳ (بهار و تابستان ۱۳۸۲).
۹. مکرم الآثار، معلم حبیب‌آبادی، تصحیح سید محمدعلی روضاتی، اصفهان، ۱۳۳۷ تا ۱۳۸۲ ش.
۱۰. مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، خان بابا مشار، تهران، ۱۳۴۰ ش.
۱۱. اعیان الشیعه، سید محسن امین، به کوشش حسن امین، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م، ۲۲/۵ و ۲۴۱.
۱۲. ریحانة الادب، محمدعلی مدرس تبریزی، تهران، ۱۳۴۶ ش، ۴۶۷ - ۴۶۵/۳.
۱۳. شرح حال رجال ایران، مهدی بامداد، تهران، ۱۳۶۳ ش، ۳۳۹/۱ - ۳۴۱.
۱۴. فرهنگ سخنوران، عبدالحسین خیامپور، تهران، ۱۳۶۸ ش، ۵۶۰/۲ - ۵۶۱.
۱۵. یادگارنامه فیض الاسلام (تاریخ ترجمه قرآن در آسیا)، از علی رفیعی علامرودشتی و (تفسیر و ترجمه منظوم قرآن کریم) از حامد ناجی اصفهانی، به اهتمام دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمینی‌شهر، اصفهان، ۱۳۸۳ ش.